

وضعیت ارث‌بری زوج بیمار از زوجه مطلقه

مسعود نادری اناری^۱، مریم حبیبی^۲

^۱استادیار، گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق گرایش خانواده، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

طلاق در حال بیماری متصل به وفات همچون نکاح در حال بیماری جایز و صحیح است. باین حال برخی نهی موجود در روایات را ناظر بر حرمت این نکاح دانسته‌اند. اما از آنجایی که اصل بر جواز و مکروه بودن طلاق است و نهی موجود در روایات بر کراهت حمل می‌شوند باید گفت طلاق در حال بیماری همچون طلاق در حال سلامتی مکروه است با این تفاوت که کراهتی شدیدتر دارد. فقیهان در رابطه با وضعیت ارث بردن زوج بیمار از زوجه مطلقه، در حالتی که زوجه در ایام عده (اعم از بائن و رجعی) فوت کند اختلاف نظر دارند. اما این اختلاف به قانون مدنی سرایت نکرده است. در این حالت چنانچه فوت زوجه در طلاق رجعی باشد، مرد به حکم ماده ۹۴۳ ق.م. از زوجه مطلقه ارث خواهد برد. اما چنانچه فوت در ایام عده بائن باشد، برای زوج ارثی نخواهد بود و حکم ارث بردن زوجه به زوج سرایت نمی‌کند. چرا که ماده ۹۴۳ ق.م. اصل را بر عدم توارث زوجین در ایام عده طلاق بائن قرار داده است و ماده ۹۴۴ ق.م. تنها ارث زوجه را از این اصل استثنا کرده است. گفتنی است برای ارث زوجه مطلقه وجود چندین شرط ضروری است که در تعداد و کیفیت آن اختلاف نظر وجود دارد و با توجه به اهمیت بررسی آن‌ها در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی وضعیت ارث‌بری زوج بیمار از زوجه مطلقه؛ شده است.

کلمات کلیدی: ارث‌بری، زوج بیمار، زوجه مطلقه، طلاق بائن، طلاق رجعی

مقدمه

ماده ۹۴۴ ق.م.ا^۱ در خصوص ارث بری زوجه مطلقه از زوج بیمار سخن گفته و به ارث بردن یا نبردن مردی که در بیماری، همسرش را طلاق داده و زن پیش از او فوت کرده اشاره‌ای نکرده است. در نتیجه این سوال ایجاد می‌شود که در این حالت وضع ارث بردن مرد از همسر سابقش چگونه است آیا این مرد نیز چنانچه فوت زن در فاصله یکسال از طلاق رخ دهد از زن ارث می‌برد یا حکم دیگری در این حالت جاری می‌شود؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا باید گفت ارث بردن در مدت یکسال از فاصله طلاق تا فوت به دلیل روایات موجود در این خصوص ویژه زوجه مطلقه از زوج بیمار است و شامل مرد نمی‌شود. کما اینکه برخی (شهیدی، ۱۴۰۱: ۱۹۷) به این فرض اشاره کرده‌اند و حکم عدم ارث بردن زوج از زوجه را صریحا بیان داشته‌اند. در واقع مرد در این حالت از زوجه ارث نمی‌برد. هر چند که زوج در فاصله یکسال از طلاق به سبب همان بیماری فوت کند و زوجه نیز بعد از طلاق ازدواج نکرده باشد و گفته شده مرد بعد از ایام عده از زوجه مطلقه ارث نخواهد برد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۶۷۴؛ بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۱۵). زیرا در این حالت رابطه زوجیت بین زن و مرد منقطع شده و مقتضی توارث از بین رفته است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۳۴). اما ارث بردن مرد بیمار از زوجه مطلقه در ایام عده قابل بحث است. جهت بررسی دقیق‌تر این موضوع و ارائه تحلیل مناسب از مواد قانون مدنی شایسته است این بحث از لحاظ فقهی و از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی وضعیت ارث‌بری زوج بیمار از زوجه مطلقه؛ خواهد شد. بدین منظور در این پژوهش ابتدا ارث مرد بیمار از زوجه مطلقه در مدت عده طلاق رجعی و سپس در مدت عده طلاق بائن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- عده طلاق رجعی

طلاق رجعی طلاقی است که شوهر می‌تواند در زمان عده از آن رجوع کند (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۱۸۰؛ رفیعی، ۱۳۸۰: ۸۷). بدون اینکه نیاز به نکاح مجدد داشته باشد. این طلاق دو نوع است: عدی^۲ و غیر عدی^۳ (رفیعی، ۱۳۸۰: ۵۶ و ۸۷). با وقوع طلاق رجعی رابطه نکاح از بین نمی‌رود و باید علاوه بر طلاق، عده نیز منقضی شود. در نتیجه همانگونه که زوجه حقوقی دارد مطلقه رجعی نیز حقوقی چون نفقه و ارث دارد (امامی، ۱۴۰۱: ۳۰۱). مرد نیز مادامی که عده رجعی تمام نشده از زوجه مطلقه ارث خواهد برد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۴۸/۳۲؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۵۳۲/۴؛ سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۸۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۶۹/۲۶؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶: ۷۳/۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۸: ۳۲۴). در نتیجه در مدت عده طلاق رجعی زن و مرد از یکدیگر ارث می‌برند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۶۵/۸؛ نوری، ۱۳۷۲: ۱۳۰؛ حمیتی واقف، ۱۳۹۰: ۱۳۶) به دلیل وجود علقه‌ی زوجیت در ایام عده رجعی و روایاتی که در این خصوص وارد شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۶۵/۸) در این حکم فرقی بین اینکه طلاق در حال بیماری باشد یا سلامتی وجود ندارد (وجدانی فخر، ۱۴۲۶: ۷۳/۱۳؛ سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۸۰)، به این دلیل که روایات^۴ وارده در خصوص ارث بردن زوجین از یکدیگر

^۱ ماده ۹۴۴ قانون مدنی ایران: اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث میبرد اگرچه طلاق بائن باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد.

^۲ طلاق عدی طلاق رجعی است که مرد همسرش را با وجود شرائط صحت طلاق بدهد و بعد در زمان عده رجوع کند و با او همبستر شود و سپس در طهر دیگری او را طلاق دهد در این حالت به طلاق اولی، طلاق عدی می‌گویند (رفیعی، ۱۳۸۰: ۹۱).

^۳ طلاق غیر عدی طلاقی است که طلاق با شرایط صحیح واقع شود، عده‌ی طلاق بگذرد و بعد از تمام شدن عده دوباره نکاح واقع شود و بعد از این نکاح دوباره طلاق صورت گیرد (رفیعی، ۱۳۸۰: ص ۹۳).

^۴ از جمله این روایات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يَطْلُقُ الْمَرْأَةَ فَقَالَ: يَرْثُهَا وَ تَرْتُهُ مَا دَامَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۶/۲۶) در خصوص مردی که زن خود را در عده‌ی رجعی باشد از یکدیگر ارث می‌برند. ۲- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْخَسَنِ يَسْتَأْذِنُ مِنَ الْخَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْخَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ تَوَارَثَا مَا كَانَتْ فِي الْعِدَّةِ فَإِذَا طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَ الثَّلَاثَةَ فَلَيْسَ لَهُ عَلَيْهَا الرَّجْعَةُ وَ لَا مِيرَاثَ بَيْنَهُمَا (همان) اگر مردی زن خود را طلاق دهد مرد و زن در ایام عده از یکدیگر ارث می‌برند. پس زمانی که به سه طلاق بینجامد پس برای مرد حق رجوع نیست و میراثی برای آن دو نیست. ۳- الْخَسَنِ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ الثَّوْرِيِّ عَنْ سُوَيْدٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَاصِمٍ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُ يَقُولُ: إِذَا امْرَأَةٌ طَلَّقَتْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا وَ لَمْ تَحْرَمْ عَلَيْهِ فَإِنَّهَا تَرْتُهُ ثُمَّ تَعْتَدُ عِدَّةَ الْمُتَوَلَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ إِنْ تَوَلَّيْتُ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا وَ لَمْ تَحْرَمْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ يَرْثُهَا وَ إِنْ قَبِلَ وَرَثَتُ مِنْ دَيْتِهِ وَ إِنْ قَبِلَتْ وَرَثَ مِنْ دَيْتِهَا مَا لَمْ يَقْتُلْ أَحَدَهُمَا الْآخَرُ (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۱۵۹/۱۳)

در ایام عده رجعیه مطلق اند (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۸۰).

گفتنی است هر چند در رابطه با ارث بردن زوجین از یکدیگر در ایام عده رجعیه در حد تواتر و استفاضه روایت وجود دارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۵۰/۳۲) اما در این میان روایاتی وجود دارد که به عدم ارث‌بری زوج بیمار از زوجه مطلقه اشاره دارند. از جمله این روایات می‌توان به این روایت اشاره کرد: «محمد بن علی بن الحُسَینِ یُسْنَدُهُ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ فَيُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ هَلْ يَجُوزُ طَلَّاقُهَا قَالَ نَعَمْ (وَهِيَ تَرْتُهُ) وَإِنْ مَاتَتْ لَمْ يَرِثُهَا (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۲۲۸)، «حماد از حلبی روایت کرده است که گفت از امام صادق علیه السلام درباره مردی سوال کردند که در حال احتضار زن خود را طلاق گوید آیا این طلاق جایز و نافذ است؟ فرمود: آری و آن زن از مرد ارث می‌برد، و اگر او بمیرد مرد از او ارث نمی‌برد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۱۶/۳) این حدیث ناظر بر طلاق در حال بیماری است زیرا فوت غالباً با بیماری تلازم دارد در نتیجه از این جهت حدیثی خاص است اما از جهت اینکه طلاق بائن و رجعی را در بر می‌گیرد اطلاق دارد و این اطلاق دلالت بر عدم ارث بردن زوج از زوجه در طلاق بائن و رجعی‌ای که در حال مرض واقع شود دارد (سبحانی ۱۴۱۴: ۱۸۱). در هر حال وجود این روایت سبب «توقف» برخی فقیهان در رابطه با ارث بردن زوج بیمار از زوجه مطلقه در ایام عده رجعی شده است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۵۰/۳۲). لیکن در مقام نقد این توقف گفته شده است (همان) توقف یاد شده امری عجیب است زیرا ارث بردن زوج در این فرض امری روشن به شمار می‌آید کما اینکه خود این فقیهان هم اعتراف کرده‌اند که فقیهان حکم ارث بردن زوجین از یکدیگر در ایام عده رجعیه را از کتاب و سنت استنباط کرده‌اند (همان).

همچنین در مقام جمع بین صحیح مزبور و روایات برخی اینگونه اظهار نظر نموده‌اند که صحیح حلبی در حال بیان حکم ارث بری بعد از ایام عده است (بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۱۶/۲۵). به عبارت دیگر این صحیح در حال بیان کردن حکم به صورت کلی است و قصد بیان کردن حکم ارث بردن در ایام عده طلاق رجعی را ندارد و چنانچه فوت در ایام عده رجعی باشد حکم ارث بردن زوج از زوجه روشن است و جایی برای اختلاف نیست (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۵۱/۳۲). برخی (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۱۶/۳) نیز معتقدند، این حدیث بر طلاق بائن حمل می‌شود. این نظر نیز وجود دارد که اطلاق این روایت مقید شده (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۸۰/۲۴). در نتیجه طلاق رجعی از آن خارج می‌شود (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۸۲).

در پایان باید گفت با توجه به مباحث مطرح شده در فوق و با توجه به ماده ۹۴۳ ق.م که بیان می‌دارد «اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضای عده بمیرد دیگری از او ارث می‌برد، لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضاء عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند». چنانچه زوجه در مدت عده طلاق رجعی و پیش از زوج بیمار فوت کند، زوج از زوجه ارث خواهد برد.

۲- عده طلاق بائن

طلاق بائن، طلاقی است که شوهر در مدت عده حق رجوع به همسرش را ندارد و با طلاق رابطه زوجیت از بین می‌رود. روشن است که چنانچه مرد در بیماری، همسر خود را طلاق دهد و به سبب همان بیماری فوت کند چنانچه در فاصله یکسال از طلاق مرد فوت کند و زوجه با شخص دیگری ازدواج نکند، زوجه مطلقه از او ارث می‌برد. چه طلاق بائن باشد و چه رجعی. اما در صورتی که زن پیش از مرد بیمار فوت کند و فوت در مدت عده طلاق بائن باشد آیا مرد از زوجه ارث خواهد برد یا خیر؟ در این خصوص بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی (طوسی، ۱۴۰۸: ۳۲۴) قائل به ارث بردن زوج و برخی (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۳۲، ص ۱۵۰؛ محقق حلی، ۱۴۱۲: ۴۲۶/۲) قائل به عدم ارث بری زوج در این فرض می‌باشند.

اگر زنی طلاق داده شود سپس همسر آن زن قبل از منقضی شدن عده وفات یابد و حرمت بین آنها صورت نگرفته باشد. پس آن زن از مرد ارث می‌برد در اینصورت باید عده ی شخص متوفی را نگه دارد. اگر زن وفات یابد در حالیکه در عده بوده حرمتی هم بین زن و مرد حاصل نشده باشد مرد از زن ارث می‌برد.

۲-۱ ارث بردن زوج بیمار در عده‌ی طلاق بائن

جهت بررسی دیدگاه ارث بردن زوج بیمار در عده‌ی طلاق بائن ابتدا قائلین به این نظر ذکر خواهند شد. سپس ادله این گروه بیان خواهد شد.

۲-۱-۱ قائلین به ارث بردن زوج بیمار

برخی از فقها (طوسی، ۱۴۰۸: ۳۲۴) قائل به ارث‌بری زوج بیمار، از زوجه مطلقه در مدت عده طلاق بائن هستند. ابن حمزه در کتاب «الوسيلة إلى نيل الفضيلة» حکم ارث‌بری زوج بیمار از زوجه را به این نحو بیان نموده است که هر گاه مرد مریض زوجه خود را طلاق دهد چه طلاق رجعی باشد و چه بائن و یکی از آنها فوت کند در حالی که زن در عده است از یکدیگر ارث می‌برند (همان).

شیخ طوسی نیز در کتاب «النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى» به این نحو به بیان حکم ارث بردن مرد بیمار در عده طلاق بائن پرداخته است. زمانی که مرد زوجه خود را طلاق دهد در حالی که مریض است تا زمانی که زوجه در عده است از یکدیگر ارث می‌برند (طوسی ۱۴۰۰: ۵۰۹) ذکر این نکته لازم است که باید در کلام شیخ طوسی خللی وجود داشته باشد چرا که ایشان در کتابهای دیگر خود به طور صریح به بیان عدم ارث بردن زوج از زوجه در عده طلاق بائن پرداخته‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۲: ۲/۴۲۴).

۲-۱-۲ ادله قائلین به ارث بردن زوج

روایات زیر به عنوان مبنای حکم ارث بردن زوج بیمار از زوجه در زمان عده طلاق بائن بیان شده است.

- ۱- «عَلَى بَنِ إِسْمَاعِيلَ الْمَيْمَنِيِّ عَنْ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ ابْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع « فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ تَوَفَّى عَنْهَا وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا أَنَّهَا تَرْتُهُ وَ تَعْتَدُّ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا وَ إِنَّ تَوَفَّيْتُ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا فَإِنَّهُ يَرِثُهَا... » (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۵۹/۱۳) مردی همسر خود را طلاق داده سپس وفات یافته است در حالیکه زن در عده بوده است در این حالت زن از مرد ارث می‌برد و باید عده وفات نگه دارد و چنانچه زن وفات یابد در حالیکه در عده است مرد از زن ارث می‌برد.
- ۲- « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدَ ابْنَيْ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ يَحْيَى الْأَزْزَقِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: الْمُطَلَّقَةُ ثَلَاثًا تَرِثُ وَ تُوَرِّثُ مَا دَامَتْ فِي عِدَّتِهَا » (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۶/۲۲) زنی که سه طلاق داده شده است. تا زمانی که در عده است مرد از او ارث می‌برد و او هم از مرد ارث می‌برد.

احادیث فوق که ظاهرشان بر ارث بردن زوجین از یکدیگر در ایام عده اعم از بائن و رجعی است. به دلایل زیر رد شده‌اند.

۱ در خصوص حدیث شماره ۱ می‌توان گفت از اطلاق این روایت برای ارت بردن زوج در عده طلاق، اعم از بائن و رجعی استفاده شده است. اما باید گفت بر اساس روایات وارده در خصوص عدم ارث بردن در طلاق بائن این روایت حمل به طلاق رجعی می‌شود (سبحانی ۱۴۱۴: ۱۸۶) در نتیجه در خصوص عده طلاق بائن جاری نمی‌شود.

روایت اخیر نیز به چند دلیل نمی‌تواند برای ارث‌بری زوج بیمار مورد استناد قرار گیرد. اول اینکه اگر این روایات بخواهند دلالت بر ارث بردن زوج در این فرض داشته باشند از مقاومت در برابر احادیثی که این ارت بری را نفی می‌کنند قاصرند (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷: ۶۸/۷).

دوم اینکه در صورتی می‌توان به حدیث شماره ۲ استناد کرد که یا آن را وارد در بحث مریض دانست با اینکه این حدیث مطلق دانسته شود (سبحانی ۱۴۱۴: ۱۸۶) ورود این حدیث در بحث مریض منتفی است و حدیث فوق در خصوص مریض نص به شمار نمی‌روند. به دیگر سخن در خصوص مریض نیستند؛ یعنی صراحتاً مسئله مریض را مطرح نکرده‌اند. مطلق دانستن این حدیث نیز برخلاف اجماعی است که در خصوص عدم توارث بین زوجین در عده طلاق بائن و در حال صحت وجود دارد. به عبارت دیگر اطلاق این حدیث مخالف اجماع فقیهان در خصوص عدم ارث بردن شخص سالم در عده طلاق بائن است (طباطبایی حائری ۱۴۱۸: ۲۲۶/۱۲). در نتیجه این حدیث، حدیثی شاذ است (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۱۸۶). سوم اینکه مطلق دانستن این حدیث، و مقید کردن اطلاق این حدیث به مریض نیازمند دلیل است (سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۳/۳۲۴).

در آخر اینکه در حدیث آخر که به سه بار طلاق اشاره کرده است می‌توان گفت سه بار طلاق ضرورتاً به طلاق بائن نمی‌انجامد. چرا که ممکن است بعد از طلاق اول یا دوم رجوع صورت نگیرد و به جای آن عقد واقع شود. در نتیجه طلاق سوم بائن نخواهد بود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۵۳/۳۲).

۲-۲-۲ عدم ارث‌بری زوج بیمار در عده طلاق بائن

جهت بررسی دیدگاه عدم ارث بردن زوج بیمار در عده‌ی طلاق بائن ابتدا قائلین به این نظر ذکر خواهند شد. سپس ادله این گروه بیان خواهد شد.

۲-۲-۲-۱ قائلین به عدم ارث بردن زوج

بسیاری از فقیهان (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۶۷۴/۲) و حقوقدانان (نوری، ۱۳۷۲: ۱۳۰) قائل به عدم ارث بردن زوج بیمار در صورت فوت زوجه در مدت عده طلاق بائن هستند.

۲-۲-۲-۲ ادله قائلین به عدم ارث بردن زوج

دلایلی که برای عدم ارث‌بری زوج در این فرض بیان شده است عبارت است از:

- ۱- در طلاق بائن زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند زیرا با وقوع طلاق بائن رابطه زوجیت از بین می‌رود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۱۷/۲۵) و با طلاق صفت زوج و زوجه بر مرد و زن صدق نمی‌کند (محقق حلی، ۱۴۱۲: ۴۲۴/۲). همچنین ارث بردن زوجه از زوج بیمار در مدت عده طلاق بائن و تا مدت یکسال بعد از طلاق به دلیل وجود روایات و اجماعی است که در این خصوص وجود دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۱۷/۲۵). به علاوه مقتضای ارث بردن زوجه از زوج بیمار، تهمت (قصد اضرار مرد به زن) است در حالیکه این مقتضی در خصوص ارث بردن زوج بیمار از زوجه وجود ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵۴/۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۷/۳۳۵؛ بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۱۷/۲۵؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۳۲۴/۳).
- ۲- بعد از طلاق اصل بر عدم ارث‌بری است (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷: ۶۷/۷) و چون ارث بردن در این فرض خلاف اصل است باید در خصوص ارث‌بری بعد از طلاق به نص اکتفا شود. کما اینکه آنچه در نصوص آمده ارث‌بری زوجین در عده رجعی و ارث‌بری زوجه در فاصله یکسال از طلاق تا فوت است. در نتیجه در این فرض زوج نباید از زوجه ارث ببرد (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۸۵).
- ۳- عدم ارث بردن زوج در عده طلاق بائن بین فقهای امامیه شهرت دارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۵۴/۳۲). حتی برخی از فقها (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۸/۵) در خصوص عدم ارث‌بری زوج در این فرض ادعای اجماع و برخی (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۸۴/۴) ادعای عدم خلاف کرده‌اند.

روایاتی نیز وجود دارد که مورد استناد قائلین به عدم ارث‌بری زوج بیمار از زوجه قرار گرفته است. از جمله این روایات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا تَرِثُ الْمُخْتَلِعَةُ وَلَا الْمُبَارِئَةُ وَلَا الْمُسْتَأْمَرَةُ فِي طَلَاقِهَا مِنَ الزَّوْجِ شَيْئاً إِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنْهُنَّ فِي مَرَضِ الزَّوْجِ وَإِنْ مَاتَ لِأَنَّ الْعِصْمَةَ قَدْ انْقَطَعَتْ مِنْهُنَّ وَمِنْهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۹/۲۶) از امام صادق (ع) شنیدم که حضرت می‌فرماید زنی که در بیماری مرد، طلاق خلع یا مبارات یا مستأمره داده شده باشد از زوج ارث نمی‌برد هر چند که آن زوج در آن بیماری وفات یابد، به خاطر اینکه رابطه زناشویی بین مرد و زن منقطع شده است.

از عبارت «لِأَنَّ الْعِصْمَةَ قَدْ انْقَطَعَتْ مِنْهُنَّ وَمِنْهُ» در این روایت می‌توان عدم ارث بردن زوج بیمار از زوجه مطلقه در عده طلاق بائن را به این نحو استنباط کرد که با طلاق رابطه بین زوجین از بین می‌رود و وقتی رابطه منقطع شود ارث بردن زن و شوهر نیز منتفی می‌شود. این امر هنگامی که زن در طلاق بائن فوت کند موجود است و با فوت زن در عده طلاق بائن مرد از او ارث نمی‌رود چرا که رابطه از بین رفته و در واقع مطابق اصل عدم ارث‌بری عمل می‌شود و ارث بردن زوجین در ایام عده رجعی و ارث بردن زوجه

در عده طلاق بائن و در فاصله یکسال از طلاق تا فوت به واسطه روایات از این اصل استثناء شده است (سبحانی ۱۴۱۴: ۱۹۰) در فرضی هم که زن خود خواستار طلاق است باز هم اصل عدم ارث‌بری جاری می‌شود.

۲- «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْخَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَخْضَرُهُ الْمَوْتُ فَيُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ هَلْ يَجُوزُ طَلْقُهَا قَالَ نَعَمْ (وَهِيَ تَرْتُهُ) وَإِنْ مَاتَتْ لَمْ يَرْتُهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۸/۲۶) حماد از حلبی روایت کرده است که گفت از امام صادق علیه السلام درباره مردی سوال کردند. که در حال احتضار زن خود را طلاق گوید آیا این طلاق جایز و نافذ است؟ فرمود: آری، و آن زن از مرد ارت می‌برد، و اگر او بمیرد مرد از او ارت نمی‌برد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۱۶/۳) طلاق در این روایت حمل بر طلاق بائن شده است (علامه حلی ۱۴۱۳: ۳۳۶/۷) در نتیجه در طلاق رجعی ارث‌بری بین زوجین وجود دارد و در طلاق بائن وجود ندارد.

۳- «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بَكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الرَّجُلِ يُطَلِّقُ الْمَرْأَةَ فَقَالَ يَرْتُهَا وَ تَرْتُهُ مَا دَامَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ» (حر عاملی، ۱۴۲۹: ۲۶/۲۲۴)، در خصوص مردی که زن خود را طلاق داده پرسیدم پس گفت مادامی که زن در عده رجعی باشد از یکدیگر ارث می‌برند.

قید رجعی بودن در این روایت برای اثبات ارث بردن زوجه صلاحیتی ندارد. زیرا ارث بردن زوجه مطلقه از زوج بیمار برای زن ثابت است چه طلاق بائن باشد و چه رجعی در این خصوص اجماع هم وجود دارد. در نتیجه قید رجعی در خصوص میراث مرد از زن باقی می‌ماند (بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵: ۳۱۸/۲۵) و هر گاه این قید منتفی شود حکم نیز منتفی خواهد شد. به عبارت دیگر هر گاه عده، رجعی نباشد حکم ارث بری زوج از زوجه نیز منتفی می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶۰/۹). البته استدلال فوق مبنی بر این امر است که حدیث وارد بر انسان مریض دانسته شود و در صورتی که وارد بر شخص سالم دانسته شود، قید رجعی به هر دو برمی‌گردد و زمانی که شخص سالم فوت کند زوجین فقط در زمان عده رجعی از هم ارث می‌برند (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۸۵).

ممکن است بر حدیث فوق این ایراد وارد شود که این حدیث در خصوص بحث مریض نیست و در این زمینه اطلاقی هم ندارد تا از اطلاق آن در خصوص مرد مریضی که زوجه خود را طلاق داده استفاده شود. چون در این حدیث گفته اگر عده تمام شود زن از مرد ارت نمی‌برد و این امر قرینه‌ای است بر اینکه این حدیث که در خصوص طلاق رجعی واقع شده مربوط به طلاقی است که مرد سالم واقع کرده است. در غیر اینصورت باید برای بعد از ایام عده نیز بیان می‌داشت که زن ارت می‌برد. در حالیکه چنین چیزی را بیان نکرده است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۶۰/۳۲).

در پاسخ به این اشکال باید گفت احادیث فوق برای اثبات حکم عدم ارث بری زوج بیمار در ایام عده طلاق بائن از زوجه کفایت می‌کند. به خصوص اینکه در رابطه با حکم عدم ارث بری زوج بیمار در این فرض معارض قوی هم وجود ندارد (همان).

نتیجه اینکه در صورت فوت زوجه در ایام عده طلاق بائن، زوج از زوجه ارت نخواهد برد. چرا که ماده ۹۴۳ ق.م. اصل را بر عدم ارث بری زوجین در ایام عده بائن قرار داده است و ماده ۹۴۴ ق.م. به بیان استثناء این اصل پرداخته و تنها یک مورد را استثناء کرده است، و آن مسئله ارث بری زوجه مطلقه از زوج بیمار است.

در پایان این بحث ذکر این نکته لازم است که هر گاه طلاق، از نوع طلاق قضایی باشد ارث بردن زوج بیمار از زوجه مطلقه، در ایام عده بستگی به رجعی یا بائن دانستن طلاق قضایی دارد. در این حالت چنانچه طلاق قضایی به سبب غایب مفقود الاثر بودن زوج واقع شده باشد، طلاق رجعی است (خمینی، ۱۴۲۴: ۲/۳۴۳). اما در سایر موارد طلاق قضایی، برخی (اباذری فومشی، ۱۴۰۳: ۲۴۲) این طلاق را بائن^۱ و برخی (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۲۴۵) رجعی^۲ و برخی (روشن، ۱۴۰۰: ۲۷۵) نیز در حکم بائن^۱

^۱ با این استدلال که طلاقی را که زوج به وسیله حکم دادگاه اجبار به آن می‌شود و طلاقی که زن به موجب شرط وکالت می‌تواند اعمال کند از اقسام طلاق بائن می‌باشند و ماده ۱۱۴۵ ق.م. این دو مورد را «جزء اقسام طلاق بائن ذکر نکرده است» (اباذری فومشی، ۱۴۰۳: ۲۹۲) نصوسی که در رابطه با باین یا رجعی بودن طلاق وارد شده و اصل را بر رجعی بودن طلاق قرار داده است با توجه به این امر است که طلاق به دست مرد واقع شود «و منصرف از مواردی است» که طلاق به حکم دادگاه باشد و صرفاً طلاق غایب مفقود الاثر رجعی است آن هم به دلیل وضعیت خاص این طلاق (مهرپور، ۱۳۸۹: ۶۳)

^۲ با این استدلال که در طلاق اصل بر رجعی بودن آن است و موارد طلاق بائن همان است که در قانون مدنی آمده است (حمیتی واقف، ۱۳۹۰: ۱۳۷). «غیر از موارد مذکور در قانون هرگونه طلاقی

دانسته‌اند. باین‌حال باین بودن این موارد ترجیح دارد چرا که همانگونه که برخی (مهرپور، ۱۳۸۹: ۶۲) بیان داشته‌اند طبیعت این طلاق، اقتضا می‌کند باین باشد.

نتیجه‌گیری

طلاق در حال بیماری متصل به وفات همچون نکاح در حال بیماری جایز و صحیح است. باین‌حال برخی نهی موجود در روایات را ناظر بر حرمت این نکاح دانسته‌اند. اما از آنجایی که اصل بر جواز و مکروه بودن طلاق است و نهی موجود در روایات بر کراهت حمل می‌شوند باید گفت طلاق در حال بیماری همچون طلاق در حال سلامتی مکروه است با این تفاوت که کراهتی شدیدتر دارد. اثر طلاق در حال بیماری، ارث بری زوجه مطلقه از زوج بیمار است. سه مبنای برای ارث بری زوجه بیان شده است. مبنای اول، حجر بیمار است این مبنا قابل قبول نیست به این سبب که محجوریت بیمار مورد پذیرش نیست. مبنای دوم، قصد اضرار زوج به زوجه است، این مبنا نیز قابل قبول نیست چرا که قصد اضرار مطرح شده در برخی روایات، حکمت حکم را بیان می‌دارند و حکم دایر مدار حکمت نیست. مبنای سوم، که مبنای مشهور در میان فقهای امامیه نیز هست، «طلاق در حال بیماری» است. طبق این مبنا صرف اینکه طلاق در حال بیماری باشد برای ارث بری زوجه کفایت می‌کند و وجود یا عدم قصد اضرار در این حکم موثر نیست. با توجه به عموم و اطلاق ماده ۹۴۴ ق.م. و عدم اشاره به قصد اضرار، به نظر می‌رسد قانون مدنی نیز درصدد تبعیت از این مبنا بوده است.

زوجه مطلقه در صورت وجود چند شرط امکان ارث بردن از زوج بیمار را خواهد داشت. اول اینکه زن توسط شوهر بیمار طلاق داده شود. در نتیجه حکم ارث بری در حالتی که مرد بیمار باشد قابل اعمال خواهد بود. همچنین ماده ۹۴۴ ق.م. در رابطه با طلاق دادن زوجه عبارت «اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد...» را به کار برده است. این عبارت ابهام دارد. چرا که مشخص نیست چنانچه زوجه خود درخواست طلاق کند یا به طلاق رضایت داشته و طلاق با مشورت او صورت گرفته باشد، حکم ارث بری به چه نحو خواهد بود. روایات نیز به صورت مطلق حکم به ارث بری زوجه مطلقه داده‌اند. باین‌حال باید گفت اطلاق روایات، منصرف از حالتی است که زوجه خود خواستار طلاق است در نتیجه این اطلاق قابل استناد نیست. به این دلیل که روایات در مقام بیان این مورد نبوده‌اند و اجمال دارند و در این حالت باید به قدر متیقن اکتفا کرد. در نتیجه در صورت درخواست طلاق از سوی زوجه و یا رضایت او به طلاق، با توجه به اصل تفسیر مضیق احکام استثنایی و وجود روایتی که سبب تقیید اطلاق سایر روایات شده است و در جمع روایات، باید گفت حکم عدم ارث بردن زوجه مناسب‌تر است. در خصوص ماده ۹۴۴ ق.م. نیز باید گفت ظاهر این عبارت بیانگر این است که ماده سبب عادی طلاق را در نظر دارد. سبب عادی طلاق نیز حالتی است که مرد صرفاً با خواست خود اقدام به طلاق زوجه کند. همچنین به سبب اختلافی بودن ارث زوجه مطلقه، در فرضی که خود خواستار طلاق است، باید به آنچه یقینی است اکتفا کرد و آن ارث بردن زوجه در حالتی است که مرد به صرف خواست خودش زوجه را طلاق دهد. باین‌حال با وجود اختلاف نظر و آرای موجود در این خصوص، لازم است قانونگذار عبارت ماده ۹۴۴ ق.م. را به گونه‌ای تغییر دهد تا ابهام و اطلاق ماده از بین برود و وضعیت ارث زوجه در حالتی که طلاق با رضایت و خواست او صورت گرفته مشخص شود.

شرط دوم این است که فوت در فاصله یکسال از طلاق رخ دهد. در واقع برخلاف ماده ۹۴۵ ق.م. ماده ۹۴۴ ق.م. به صراحت مدت یکسال را ملاک قرار داده است. شرط سوم، عدم بهبودی زوج و شرط چهارم فوت به سبب بیماری طلاق است. با اینکه در رابطه با لزوم سببیت یا ظرفیت بیماری طلاق برای فوت اختلاف نظر وجود دارد اما ماده ۹۴۴ ق.م. به صراحت سببیت بیماری زمان طلاق برای فوت را پذیرفته است. در رابطه با مانع یا عدم مانع بودن ازدواج مجدد زوجه بعد از طلاق اختلاف نظر وجود دارد باین‌حال

رجعی است و طلاق حاکم بنا بر طبیعت خود اگر از اقسام باین مذکور در قانون مدنی است باین، و گرنه رجعی است و آثار مخصوص به خود را دارد» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۲۴۵).
^۱ با این استدلال که در حکم باین دانستن این طلاق ایرادات نظرات دیگر را ندارد و با انصاف و اصول عدالت سازگارتر است. برای مطالعه بیشتر در خصوص در حکم باین بودن طلاق قضایی (ر.ک. روشن، ۱۴۰۰: ۲۷۶-۲۷۴).

قانون مدنی به پیروی از نظر اکثریت فقیهان عدم ازدواج مجدد زوجه بعد از طلاق را به عنوان یکی از شروط ارث بری زوجه قرار داده است.

فقیهان در رابطه با وضعیت ارث بردن زوج بیمار از زوجه مطلقه، در حالتی که زوجه در ایام عده (اعم از بائن و رجعی) فوت کند اختلاف نظر دارند. اما این اختلاف به قانون مدنی سرایت نکرده است. در این حالت چنانچه فوت زوجه در طلاق رجعی باشد، مرد به حکم ماده ۹۴۳ ق.م. از زوجه مطلقه ارث خواهد برد. اما چنانچه فوت در ایام عده بائن باشد، برای زوج ارثی نخواهد بود و حکم ارث بردن زوجه به زوج سرایت نمی‌کند. چرا که ماده ۹۴۳ ق.م. اصل را بر عدم توارث زوجین در ایام عده طلاق بائن قرار داده است و ماده ۹۴۴ ق.م. تنها ارث زوجه را از این اصل استثنا کرده است.

امکان سرایت حکم ارث زوجه به حالاتی که نکاح به سببی غیر از طلاق منحل شود وجود ندارد به این دلیل که روایات وارده، صرفاً ناظر بر طلاق در حال بیماری هستند. در واقع امکان قیاس سایر اسباب انحلال نکاح با طلاق وجود ندارد چرا که قیاس حرام است و مورد پذیرش فقهای امامیه نیست. در نتیجه حکم ماده ۹۴۴ ق.م که مقتبس از روایات است به همان مورد مصرح در ماده یعنی طلاق محدود می‌شود و قابل سرایت به فسخ و انفساخ نکاح نیست.

منابع

۱. اباذری فومشی، منصور (۱۴۰۳)، نحوه عملی رسیدگی به دعاوی خانوادگی در محاکم و دادسراها، تهران: انتشارات خرسندی
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲ و ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم
۳. امامی، سیدحسن (۱۴۰۱)، حقوق مدنی، ج ۳، تهران: انتشارات اسلامی
۴. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم
۵. ترحینی عاملی، سیدمحمد حسین (۱۴۲۷)، الزیاده الفقهیه فی شرح الروضة البهیة، ج ۷، قم: دارالفقه للطباعة و النشر
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات گنج دانش
۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۲۲ و ۲۶، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
۸. حسینی روحانی، سیدصادق (۱۴۱۲)، فقه الصادق علیه السلام، ج ۲۴، قم: دارالکتاب- مدرسه امام صادق علیه السلام
۹. حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۹۰)، حقوق مدنی ۸ (شفعه- وصیت- ارث)، تهران: انتشارات جنگل
۱۰. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع ریال ج ۴ و ۵، قم: مؤسسه اسماعیلیان
۱۱. رفیعی، علی (۱۳۸۰)، بررسی فقهی طلاق و آثار آن در حقوق زوجین، تهران: انتشارات مجد
۱۲. روشن، محمد (۱۴۰۰)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات جنگل
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴)، نظام الطلاق فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام
۱۴. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳)، مذهب الاحکام، ج ۲۶ و ۳۰، قم: مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله
۱۵. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴)، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، ج ۳، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۹، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه
۱۷. شهیدی، مهدی (۱۴۰۱)، ارث، تهران: انتشارات مجد
۱۸. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۶، ۳۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی

۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۰. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، ج ۹، قم: مؤسسه آل البت علیهم السلام
۲۱. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۵، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه
۲۲. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی
۲۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۴. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸)، الوسيله الوسيله الی نیل الفضيله، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۶. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ج ۸ و ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، دوره ی حقوق مدنی خانواده- نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش
۲۸. مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الخبر، ج ۱۲ و ۱۳، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
۲۹. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۲)، سنکت النهایه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴)، توضیح المسائل، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۳۱. مهرپور، حسین (۱۳۸۹)، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، تهران: انتشارات اطلاعات
۳۲. نوری، رضا (۱۳۷۲)، شفعه- وصیت- ارث: اسباب ثلاثه تملک در حقوق مدنی، تهران: انتشارات پاژنگ
۳۳. وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶)، الجواهر الفخریه فی شرح الروضه البهیة، ج ۱۳ و ۱۵، قم: انتشارات سماء قلم